

قانون اساسی عراق،

نه پیچی در دموکراسی و نه مجرائی برای خروج از بحران و هرج و مرج!

فرهاد شعبانی

در میان هیاهو و جنجال رسانه‌ها و مطبوعات وابسته به نیروهای طرفدار و توجیه‌گر اشغال عراق، همه پرسى قانون اساسی این کشور برگزار شد. نتیجه همه پرسى ۱۵ اکتبر برای تصویب قانون اساسی عراق هرچه باشد، تغییری در این واقعیت نخواهد داد که سند مذکور نه گامی بسوی دموکراسی و نه بستری برای ثبات خواهد بود. این سند نه تنها دموکراتیک نیست به این اعتبار که درپروسه‌ایی دموکراتیک تدوین نشده، بلکه عناصر و فاکتورهای ضد دموکراتیک و ارتجاعی آن آنچنان فراوان و پیداست که بخشی ازمدافعان "سکولار" آن، پذیرش آن را ناشی از توازن قوا و اعمال نفوذ نمایندگان آمریکا می دانند. علاوه بر این، فرمول‌های ارتجاعی آن آنچنان در لفافه اصطلاحات حقوقی پیچیده شده اند که اولاً "مردم عادی از مفاد واقعی آنها سر در نیاوردند و ثانیاً در مواقع بروز اختلاف مابین دستجات در قدرت هر کسی بتواند مطابق منافع خود آن را تفسیر کند. به این معناست که چنین قانونی خود می تواند سرچشمه خونین‌ترین تشنجات و درگیری‌ها باشد.

نمایندگان دولت آمریکا و متحدین داخلی‌شان این واقعیت را پذیرفته‌اند که این قانون، محل تلاقی منافع و ماحصل سازش آنها و بازپس‌گیری هزینه‌های اشغال است، و نه پاسخ به نیازهای توده‌های مردم تحت ستم در عراق.

همانطوریکه اشاره شد، این پیش‌نویس دارای عناصری ضد دموکراتیک و در عین حال تناقضات فراوانی است که به چند نمونه آن اشاره می‌کنم.

پایه‌ای‌ترین عنصر ضد دموکراتیک و متناقض آن این است که، در این سند آمده است: هیچ قانونی نباید برخلاف شریعت اسلام باشد و در همان حال دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زنان را مورد حمایت قرار می‌دهد. کدام تفسیر از دموکراسی، کدام حقوق بشر و کدام حقوق زنان سزاوار پرسش است؛ و البته که هر نیروی می‌تواند بر پایه منافع خود این حقوق را تفسیر کند.

تناقض اساسی دیگری که در این قانون برجستگی چشم‌گیری دارد نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، بویژه مردم کردستان است. پیش‌نویس از همزیستی داوطلبانه ملت‌ها می‌گوید اما در همانحال حق تعیین سرنوشت مردم کردستان را برسمیت نمی‌شناسد. فدرالیسمی که در تبلیغات طرفداران تمامیت ارضی منطقه از آن بنام اختیارات گسترده مردم کردستان نام برده می‌شود به یک فدرالیسم اداری محدود است که بخش بزرگی از مناطق کردنشین خارج از محدوده آن قرار می‌گیرد و براین اساس بخش زیادی از مردم کردستان از این حقوق محدود هم محرومند.

سوی این برای نشان دادن سست بودن پایه‌های این فدرالیسم کافی است که به این بسنده کرد و گفت، دولت فدرال منطقه نه در سیاست خارجی و نه در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی نقشی ندارد و بازوی مسلح آن (نیروی پیشمرگ) گرچه وجودش برسمیت شناخته شده است اما چیزی بیشتر از یک نیروی انتظامی محلی نخواهد بود؛ و هرگز از چنان ابزارها و تجهیزاتی برخوردار نخواهد شد که اگر محدوده فدرال احیانا مورد تعرض دولت مرکزی قرار بگیرد، بتواند از آن دفاع کند. از این مهمتر اینکه حل تناقضات قوانین مرکزی با قوانین منطقه فدرال به دادگاهی سپرده شده است که در مرکز تعیین شده و کپی شورای نگهبان جمهوری اسلامی است.

اینها و موارد دیگری از تناقضات پیش‌نویس قانون اساسی به فراندوم گذاشته شده در ۱۵ اکتبر است که دولت آمریکا با تکیه بر قدرت رسانه‌ایی و با ارائه‌ی غیرواقعیتهای بجای واقعیت‌ها دموکراتیک بودن آن را به افکار عمومی جهان القا می‌کند، و مدعی است که قانون اساسی عراق و همه پرسى برای آن گامیست بسوی دموکراسی.

نمی‌توان مردم عراق را به زیر سیطره جمهوری اسلامی دیگری برد، اما در همانحال از آن بنام سندی دموکراتیک یاد کرد. نمی‌توان مدعی شد که رای مثبت به قانون اساسی عراق آغاز پایان خشونت‌هاست اما دو روز بعداز همه پرسى هواپیماهای آمریکائی دو روستا را درهم کوبند و کودکان و زنان آن را زیر آوار مدفون کنند و با ترفند کشتن ۷۰ تروریست حقایق را زیر خروارها لایه‌ی دروغ دفن کنند.

مفاد این قانون بطور بسیار روشنی منافع و حقوق اقشار فرودست جامعه عراق اعم از کرد و عرب و در میان آنها زنان را ابتدا به ساکن پایمال و علیرغم تمایل و میل باطنی شان و بدون در نظرگرفتن منافع طبقاتی‌شان آنها را به زور به تعلقات دینی و ملی منتسب می‌کند. قانون اساسی جدید عراق زوایای باز بسیاری دارد که در این سخن کوتاه قصد پرداختن به آن را نداریم، تنها به این بسنده می‌کنیم که محور قرارگرفتن اسلام بعنوان یکی از مبانی تدوین قوانین در عراق برای قضاوت آن کافی است.

کلام آخر اینکه، سازش دولت آمریکا با مبنا قرارگرفتن شریعت اسلام در قانون اساسی عراق حیرت‌انگیز نیست چراکه این اولین بار نیست آمریکا با اسلام حتی از نوع افراطی‌اش برای حفظ منافع خود و مقابله با جنبش آزادیخواهی در خاورمیانه کنار می‌آید. مضافا اینکه آمریکا برای تعقیب استراتژی کنترل انرژی خاورمیانه و خلیج فارس به منظور مهار رقبای چینی و اروپائی، خود و متحدان منطقه‌ایش را به سازش و معامله با هر نیروی مرتجعی وامیدارد. بازخوانی قانون اساسی عراق تنها در متن چنین شرایطی ممکن است.

برگرفته از جهان امروز ۱۵۹